



پرستاران توانستند ، معلمان و کارگران نیز می تواند



صادق کار:

همان‌طور که نویسندگان این نامه به درستی قید کرده‌اند، حقوق ماهانه‌ی یک‌وونیم تا دو میلیونی معلمان کفاف یک زندگی حداقل در شهری مثل سبزوار را نمی‌دهد. این در حالی است که حداقل حقوق رسمی یک کارگر در کلان شهرها در سال جاری ۶۰۹ هزار تومان و متوسط حقوق ماهانه‌ی کارگران حدود یک‌وونیم میلیون تومان است و معلوم است وقتی که در آمد دو میلیون تومانی معلمان سبزواری باعث له شدن استخوان‌هایشان می‌شود، حقوق ۶۰۹ هزار تومانی حداقل بگیرها که تعدادشان کم هم نیست، چه زندگی مصیبت‌باری را برای آن‌ها رقم می‌زند.

واقعیت این است که ، به رغم تفاوت‌هایی که این‌جا و آن‌جا و بین حقوق و درآمد، پرستار و معلم و کارگر و معلم و مابقی مزدبگیران وجود دارد، اکثریت بزرگ مزدبگیران هیچ کدامشان، اگر چه نه به یک اندازه، اما با دستمزد و حقوقی که می‌گیرند قادر به تامین هزینه‌های یک زندگی حداقل هم برای خود و خانواده‌هایشان نیستند. از همین روست که مطالبه‌ی افزایش دستمزد به یک خواست عمومی در میان اکثریت بزرگ مزدبگیران تبدیل شده و مبارزه برای افزایش دستمزدها نیز به تبع آن عمومیت پیدا کرده است. و هم‌اکنون بخش‌هایی از مزدبگیران نه تنها توانسته‌اند در اثر تلاش و مبارزه به خواست افزایش دستمزدهایشان برسند، بلکه تجربیات مبارزاتی موثری را در این زمینه از خود به جا گذاشته‌اند که الهام‌بخش سایر مزدبگیران و تقویت‌کننده‌ی انگیزه‌ی مبارزاتی آنان شده‌اند. از این میان می‌توان از تجربیات مبارزات پرستاران و کارگران ایران خودرو، به عنوان تازمترین نمونه‌های نسبتاً موفق و الهام‌بخش، یاد کرد.

با مراجعه به نامه‌ی سرگشاده‌ی معلمان سبزواری، به راحتی می‌توان

جمعی از معلمان سبزواری که به نظر می‌رسد موفقیت پرستاران در به دست آوردن بخش قابل توجهی از مطالبات خود که در پی یک رشته مبارزات صنفی پرستاران حاصل شد، آنان را نیز به وجد آورده و تحت تاثیر قرار داده، چندی پیش طی نامه‌ی سرگشاده‌ی خطاب به رئیس جمهور، پس از تبریک به پرستاران به خاطر کامیابی‌هایی که در ارتباط با افزایش حقوق و مزایای‌شان به دست آورده‌اند، به تشریح وضعیت ناگوار معیشتی، شغلی و بیان مطالبات خود پرداخته و خواستار رسیدگی روحانی به مسائل‌شان شده‌اند.

در قسمتی از این نامه‌ی سرگشاده که در تارنمای «حقوق معلم و کارگر» و به نقل از «سبزواری نگار» منتشر گردیده، معلمان پس از اشاره به سرسام‌آور شدن هزینه‌های زندگی و از دست رفتن دوسوم قدرت خریدشان، نوشته‌اند: "امروزه اداره‌ی زندگی و تامین هزینه‌های کمرشکن آن، برای اکثر معلمان شاغل و بازنشسته غیر ممکن شده و اکثریت آن‌ها خسته از بی‌عدالتی و تبعیض و شرم‌منده‌ی همسر و فرزندان خود می‌باشند".

معلمان سبزواری در بخش دیگری از نامه‌شان می‌نویسند: "جناب رئیس جمهور! ما معلمان، فراموش شده‌ایم؛ نه فقط در دولت شما که در دولت‌های قبلی هم وضع به همین منوال بوده است. تا کی چشم و گوش خود را در برابر این همه تبعیض ببندیم؟ کارد به استخوان ما رسیده است. صورتی برای‌مان نمانده که بخواهیم آن را با سیلی سرخ نگه داریم. اگر سمعی از جنس انصاف باشد، صدای له شدن و خرد شدن استخوان‌های‌مان زیر چرخ هزینه‌های زندگی به گوش می‌رسد".



ارزیابی کردیم، توانستند در این مرحله دولت و کارفرمایان سخت سر را وادار به پذیرش بخش قابل توجهی از مطالباتشان نمایند و الهامبخش سایرین شوند، معلمان و کارگران نیز حتماً چنانچه از تجربیات پرستاران بهره جویند، موفق به این کار خواهند شد. تردیدی نیست که ما هرچه جمعی‌تر و هماهنگ‌تر عمل کنیم، نتایج بهتر و سریع‌تری به

دست خواهیم آورد

📖 دیگر کشورها

اتحادیه‌های کارگری و دموکراسی در آمریکای لاتین - ۳

استیون لویسکی و اسکات می‌نوارینگ

ترجمه: گودرز

کلمبیا؛ نمونه‌ی رابطه جنبش کارگری

بدون حزب غالب سیاسی

کلمبیا تنها نمونه‌ی عدم رابطه با یک حزب غالب در بین تشکلهای کارگری است. در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ کنفدراسیون کارگران کلمبیا (CTC) ارتباط نزدیکی با حزب لیبرال داشت. در دهه‌ی ۱۹۵۰ اما اتحادیه‌ی کارگران کلمبیا (UTC) که خود را غیر سیاسی اعلام کرده بود، به عنوان بزرگ‌ترین کنفدراسیون کارگری برآمد نمود. می‌گل اوروتیا در این باره می‌نویسد "UTC به هیچ حزب سیاسی متعهد نبود و همین تجربه، جنبش کارگری در کلمبیا را به نحو رادیکالی از سایر تجربه‌های کارگری در آمریکای لاتین متفاوت نمود".

از آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ جنبش کارگری کلمبیا چند پاره شد و چندین کنفدراسیون کارگری در کنار چندین اتحادیه‌ی مستقل غیر وابسته به رقابت پرداختند.

در این زمینه چندین ائتلاف حزبی از میان رفت و هیچ رابطه‌ی حزبی-کارگری جدید وارد صحنه نشد.

جدول زیر رابطه‌ی احزاب سیاسی و جنبش کارگری در آمریکای لاتین را در ۹ نمونه بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰ نشان می‌دهد:

فهمید که کامیابی تجربیات پرستاران، نه تنها نقش تأثیرگذاری در نوشتن این نامه داشته، بلکه نتیجه‌ی مبارزات پرستاران در اعتصاب اخیر دو روزه‌ی معلمان و همچنین در فراخوان به اعتراض «کانون صنفی معلمان» در روز ۱۰ اسفند بی‌تأثیر نبوده و نیست. بی‌دلیل نیست که به دنبال اعتصاب دوروزه‌ی معلمان و تحرکاتی که اخیراً از طرف کانون صنفی معلمان شروع شده است، وعده‌ی افزایش دستمزد و حقوق معلمان داده می‌شود. البته به شکل مغرضانه و تفرقه‌افکنانه‌ای، که به نظر می‌رسد با هدف به جان هم انداختن معلمان و تن ندادن به افزایش واقعی دستمزد باشد. به این معنا که افزایش حقوق وعده داده شده، ظاهراً قرار است با اخراج و بازخرید ناخواسته و اجباری ۲۰ درصد از کارکنان بخش‌های اداری و آموزشی وزارت آموزش و پرورش تامین شود و نه از طریق افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش که یکی از مطالبات و محرک‌های اعتراضات معلمان از دیرباز تا کنون بوده است.

معلمان آگاه و به ویژه تشکلهای صنفی معلمان، همان‌طور که در بیانیه‌هایشان آمده است، خواستار افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش از طریق کاستن از بودجه‌های کلان غیر ضروری «نهادهای ویژه» اند. که در واقع نوعی سرمایه‌گذاری خردمندانه و آینده‌نگرانه برای بهبود امر آموزش و همچنین افزایش حقوق و دستمزدهای کارکنان آموزش و پرورش نیز هست. آن‌ها با ادامه‌ی مبارزاتشان و بهره‌گیری درست از تجربیات موفق سایر گروه‌های مزدبگیران، در مقابل ترفند افزایش حقوق در مقابل تعدیل نیروی انسانی که به بدتر شدن وضعیت آموزش منجر خواهد شد، خواهند ایستاد.

زمانی که یک گروه از مزدبگیران قادر می‌شوند با حفظ همبستگی، مبارزه و تشکل، در شرایط سرکوب به بخشی و یا تمام خواسته‌هایشان برسند، مسلم است که اگر تجربه‌ی این گروه از طرف سایر مزدبگیران مورد استفاده قرار گیرد، آن‌ها نیز موفق به دست یافتن به مطالباتشان خواهند شد. اگر همه‌ی گروه‌های جنبش مزدبگیران حول یک یا چند خواست مشترک، به‌طور هم‌زمان و هماهنگ وارد عرصه شوند و حسابشان را از یکدیگر جدا نکنند، قطعاً میزان موفقیت بسیار بیشتر خواهد بود.

حمایت مؤثر از اعتراض ۱۰ اسفند معلمان که خواست اصلی آن افزایش دستمزد و حقوق است، می‌تواند سرفصلی باشد برای حرکت به سوی هماهنگی گروه‌های مختلف جنبش مزدبگیران حول مطالبات مشترک.

اگر پرستاران، همان‌طور که ما، هنگام برگزاری آخرین تجمع‌های آن‌ها در چند شهر، در یادداشت دیگری در همین بولتن با تیتیر «مقاومت پرستاران باعث پیروزی‌شان خواهد شد»،



بنابراین تمایلات دموکراتیک کارگران استثناء بودند و نه قاعده.

حمایت کارگران از رژیم‌های دموکراتیک و غیر دموکراتیک

حمایت جنبش کارگران از دموکراسی، به رابطه‌ی غالب حزبی-کارگری و زمینه‌ی عینی رژیم وابسته بود.

این چهارچوب برای بررسی حمایت یا عدم حمایت تشکلهای کارگری از دموکراسی در ۹ کشور مورد اشاره در آمریکای لاتین بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰ قابل استفاده است.

بررسی موردی نشان می‌دهد که نسبت مستقیم و روشنی بین ارتباط حزبی و زمینه‌ی عینی رژیم‌ها با رفتار جنبش کارگری وجود دارد. در مواردی که ائتلاف با احزاب دموکرات وجود داشت، جنبش کارگری از رژیم‌های تمامیت‌خواه و یا از کودتا علیه دولت انتخابی حمایت نکرده‌اند و در تلاش برای سرنگونی دولت انتخابی شرکت نکردند.

در مورد ائتلاف جنبش‌های کارگری با احزاب مارکسیست و پوپولیست، رفتار کارگران بیشتر بر زمینه‌ی عینی رژیم چرخیده است. جایی که دموکراسی بر رژیم غالب بوده و یا تنها بدیل دولت دست راستی و دیکتاتوری شناخته می‌شده، جنبش تحت نفوذ مارکسیست‌ها و پوپولیست‌ها از دموکراسی حمایت کرده است.

ولی هرگاه رژیم‌های فراگیر ولی غیر دموکرات بر سر کار بودند و یا بدیل مطمئن قدرت، کارگران بر خلاف دموکراسی گرایش داشته‌اند.

جنبش کارگری در سه صورت بر علیه دموکراسی کار کرده است:

۱. ممکن است که از سرنگونی یک دولت منتخب از طریق روشی غیرقانونی حمایت کرده باشد.

۲. ممکن است که از یک رژیم غیردموکراتیک حمایت کرده باشد که احتمالاً مانع به نتیجه رسیدن تلاش برای دموکراتیزه کردن جامعه باشد.

۳. بسیج پولاریزه‌ی اتحادیه در پیگیری اهدافی انقلابی، ممکن

۴. است ثبات رژیم دموکراتیک را به خطر انداخته باشد.

دو واقعه حمایت جنبش کارگری تحت نفوذ مارکسیست‌ها یا پوپولیست‌ها را در حمایت از دموکراسی محدود کرده است؛ این واقعه در سال‌های یکم قطبی نمودن سیاست در منطقه، به دنبال انقلاب کوبا؛ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، انقلاب سوسیالیستی را جذابیت بخشید و باور به احتمال وقوع آن را بالا برد.

این زمینه‌ی عینی، تشکلهای کارگری تحت نفوذ مارکسیست‌ها را به خواست‌های حداکثری ترغیب نمود که گرچه لزوماً ضد رژیم نبودند، اما گاه

کشور	سال	حزب سیاسی غالب بر جنبش کارگری
آرژانتین	۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰	پرونیست (پوپولیست)
بولیوی	۱۹۴۶ تا ۱۹۵۲	مارکسیست
	۱۹۵۲-۱۹۶۳	مخلوط مارکسیست و پوپولیست
	۱۹۶۳ تا ۱۹۸۵	مارکسیست
برزیل	۱۹۴۵ تا ۱۹۶۲	دموکراتیک (PTB)
	۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴	مخلوط مارکسیست و دموکرات (PTB-PCB)
	۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰	دموکراتیک (PT)
شیلی	۱۹۴۵ تا ۱۹۷۳	مارکسیست (سوسیالیست، حزب کمونیست)
	۱۹۸۳ تا ۲۰۰۰	دموکراتیک (سوسیالیست، کمونیست)
کلمبیا	۱۹۴۷ تا ۲۰۰۰	بدون ارتباط حزبی غالب
مکزیک	۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰	در اصل پوپولیست (PRI)
نیکاراگوئه	۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰	مارکسیست جبهه آزادیبخش ساندینیست (FSLN)
پرو	۱۹۴۵ تا ۱۹۶۸	پوپولیست (APRA)
	۱۹۶۸ تا ۱۹۹۲	مارکسیست (حزب کمونیست)
ونزوئلا	۱۹۴۵ تا ۱۹۹۸	دموکراتیک (AD)

همان‌طور که دیده می‌شود اکثر ارتباطات حزبی-کارگری با احزاب مارکسیست (بولیوی، نیکاراگوئه، شیلی قبل از ۱۹۷۳ و پرو بعد از ۱۹۶۸) و پوپولیست (آرژانتین، مکزیک، و پرو بعد از ۱۹۶۸) بود. از این رو بخش عمده‌ی ائتلاف‌های آن‌ها با شناسه‌ی گرایش‌های ابزاری به سوی دموکراسی شناخته می‌شوند.



از جمله افزایش حقوق قابل ملاحظه و گسترش بیمه‌های درمانی و تعاون اجتماعی. عضویت در یونیون‌ها تقریباً سه برابر شد، ولی آزادی‌های مدنی محدود شد و انتخاب پرون در ۱۹۵۱ با تقلب و سرکوب بدست آمد.

سرنگونی پرون در ۱۹۵۵ سه دهه بی‌ثباتی با حکومت‌های نظامی و غیرنظامی با خود آورد که رفتار تشکلهای کارگری در آن مبهم ولی دموکراتیک بود.



شیلی: موردی روشن از حمایت کارگران و اتحادیه هاشان از دموکراسی

در ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ اتحادیه‌های پرونیست در بسیج عظیمی شرکت داشتند که دولت انتخابی ارتورو ایلپا را در خطر قرار داد و سپس رهبران کلیدی اتحادیه‌ها از کودتایی بر علیه او حمایت کردند که وی را در ۱۹۶۶ ساقط کرد. و اما اعتراضات کارگری نقش عمده‌ای هم در پایین کشیدن دیکتاتوری بعد از ۱۹۶۶ بازی کرد و CGT با قدرت از دولت پرونیست در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶ حمایت کرد و اما بسیج کارگری و خشونت‌های آن باعث کودتای نظامی در ۱۹۷۶ شد.

کارگران و پرونیست‌ها بعد از ۱۹۷۶ بیشتر دموکرات طلب شدند؛ از آنجا که بدیل رژیم هم محدودتر شد. در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ اتحادیه‌های پرونیست نقش عمده‌ای در بسیج مخالفین با بوروکرات‌های تمامیت‌خواه بازی کردند.

پس از ۱۹۸۳ هم دموکراسی پایه‌دارتر شد و احتمال پدیدار شدن رژیم‌های تمامیت‌خواه هم کمتر گشت، پرونیست‌ها و اتحادیه‌ها هم دائماً پیگیر دموکراسی بودند. به طور مثال CGT قاطعانه با اقدامات نظامی در ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ مقابله کرد.

📖 اخبار خارجی:

یونان-

وزیر کار:

وسیع‌تر از گذشته ، به سوی قراردادهای

کار دسته جمعی

اتحادیه‌ی جهانی یونی،

۱۷ فوریه ۲۰۱۵

وزیر کار یونان در گفت وگوهای خود با بخش اروپایی «اتحادیه‌ی جهانی یونی»، متعهد شد که موضوع قراردادهای کار دسته جمعی و حقوق کارگران را در مرکز اقداماتی که برای بهبود وضع اقتصادی یونان انجام خواهند شد، قرار دهد.

نخبگان مالی و نظامی را مرعوب نموده و در نتیجه آن‌ها را به پشتیبانی از کودتاهای نظامی متقاعد می‌کرد. ظهور بدیل انقلابی، جنبش کارگری مارکسیستی را در بوته‌ی آزمایش تعهد به بورژوازدموکراسی قرار می‌داد. نتیجه آنکه اولویت دادن به اهداف انقلابی در برابر دموکراسی با ثبات حاکی از تمایل ابزاری به دموکراسی است.

واقعه‌ی دیگری که جنبش‌های ابزاری را به کار بر خلاف دموکراسی متقاعد می‌کرد، گسترش رژیم‌های فراگیر تمامیت‌خواه بود که در پی بسیج زحمت‌کشان متشکل کارگر و دهقان بودند. پس از ۱۹۴۵ در کل سه نوع حکومت‌های تمامیت‌خواه فراگیر در آمریکای لاتین به وجود آمدند: رژیم‌های انقلابی که در مکزیک بعد از ۱۹۱۷ و در نیکاراگوئه بعد از ۱۹۷۹ بوجود آمدند، رژیم‌های نظامی پوپولیست شبیه پرو از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ و پاناما از ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۱، و پوپولیست‌هایی مانند پرون که از طریق انتخابات در آرژانتین به وجود آمدند. بیشتر این رژیم‌ها به جنبش‌های کارگری امکانات مادی، سازمانی، و منافع سمبولیک عرضه نمودند، مضاف بر آنکه دسترسی‌شان به هرم قدرت را هم ممکن ساختند.

دولت‌هایی مانند پرون، PRI و ساندینیست‌های نیکاراگوئه حضور سیاسی طبقه‌ی کار را در درون سیستم خود نهادینه کردند، کانال‌های جدیدی برای مشارکت اتحادیه‌ها در دولت به وجود آوردند، گسترش یونیون‌ها را تشویق کردند و آن‌ها را با امکانات فراوان سازمانی حمایت کردند و در مجموع حقوق کارگران را افزایش دادند. این سیاست‌ها طبیعتاً همبستگی جنبش‌های کارگری را باعث شد و از همین رو تعجب‌آور نیست که آن‌ها را به حامیان درازمدت این رژیم‌ها تبدیل نمود.

آرژانتین

جنبش کارگری در آرژانتین در ارتباط با حمایت از دموکراسی

کارنامه‌ای دوگانه دارد. اتحادیه‌ها در آرژانتین از پرونیست‌ها در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰ حمایت کردند. پرونیسم همیشه دموکراتیک نبود، بسیج کارگران به نمایندگی از پرونیست‌ها اما گاه تأثیرات دموکراتیک داشت و گاه نه. بسیج کارگران نه بطور اخص دموکراتیک. دولت پرون منافع مادی برای کارگران در بر داشت ،



بحران انسانی حاکم بر این کشور با اوضاع آن در روزهای پس از جنگ جهانی دوم قابل مقایسه است.

پیشین و سوق یونان به وضعیتی مطلقاً بحرانی، موجب دل‌گرمی است که می‌شنویم طرح دولت جدید متوجه بازگشت به این قوانین است."

او می‌افزاید: "آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، موجی است که تمام اروپا را تحت تأثیر خواهد گرفت. این تصمیم دموکراتیکی بوده است که به سال‌های رنج ناشی از سیاست‌های ریاضتی خاتمه داده شود. انتظار می‌رود که مردم سراسر قاره، ملهم از مبارزه مردم یونان، به خیابان‌ها بیایند."

در حالی که مذاکرات میان یونان و وزرای کشورهای اتحادیه اروپا بر سر دیون این کشور همچنان در بن‌بست قرار دارد، پائوس اسکورتیس با دبیر اروپایی اتحادیه جهانی یونی، اولیور روئیگ، دیدار داشت و در این دیدار بر تعهد گفته شده تأکید کرد.



نگاه نگران وزیر کار یونان به آینده این کشور

او گفت: "ما در یونان سیاست‌های نئولیبرالی را، که برای کارگران ما فاجعه به بار آوردند، تجربه کرده‌ایم."

اتحاد جهانی در دفاع از حق اعتصاب

ایکوال تایمز، ۱۸ فوریه ۲۰۱۵

اتحادیه‌های کارگری روز ۱۸ فوریه را روز عمل بین‌المللی برای دفاع از حق اعتصاب، که مورد تهاجم جهانی است، اعلام کرده‌اند.



راهپیمایی در حمایت از حق اعتصاب

به دنبال مباحثاتی در سازمان بین‌المللی کار، خاصه با گروه کارفرمایان که اصلاً منکر حق اعتصاب است، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری روز ۱۸ فوریه را روز عمل در حمایت از حق اعتصاب اعلام کرده است.

گروه کارفرمایان وابسته به سازمان بین‌المللی کار، از سال ۲۰۱۲ به این سو تأکید داشته است که کنوانسیون ۸۷ این سازمان در باره آزادی اجتماعات ابداً به معنای حق کارگران برای دست زدن به اعتصاب نیست.

جفری ووگت، رییس دپارتمان حقوقی کنفدراسیون، به «ایکوال تایمز» گفت که گروه کارفرمایان دهه‌هاست که از استنتاج منطقی پرهیز می‌کنند و در واقع موافقت خود با این استنتاج را در گذشته انکار می‌کنند.

"در پنج سال گذشته ما شاهد مقررات‌زدایی از مناسبات کارگر و کارفرما بودیم. اولویت وزارت کار اعاده قانون و انجام رفاه‌های ساختاری، به منظور اعاده قراردادهای کار دسته جمعی و حقوق کارگران است. غرض بازگشت ساده به دوران پیش از ریاضت کشی نیست، بلکه ایجاد عرصه‌ای وسیع‌تر برای تحقق آن‌هاست.

روئیگ که برای حمایت از اتحادیه‌های یونان در این کشور به سر می‌برد، از دولت جدید یونان خواست که احیای قراردادهای کار دسته جمعی را اولویت کلیدی خود قرار دهد. قابل ذکر است که مجموعه‌ای حقوق کار تحت حاکمیت دولت قبلی تقریباً به طور کامل از اعتبار ساقط شده است.

اسکورتیس در گفت‌وگویی همه‌جانبه و مفصل با روئیگ در باره دیدگاه‌های نسبت به آینده مناسبات کار در یونان، به او گفته است: "هم اکنون که این گفت‌وگو بین ما جریان دارد، وزارت کار مشغول نوشتن لایحه‌ی جدیدی است و ما امیدواریم که در خلال یک ماه آینده آن را تقدیم مجلس کنیم"

"ما می‌خواهیم نظارت بر کار را تقویت کنیم و ارتقاء دهیم. ما می‌خواهیم که اعاده مفهوم حقوق اجتماعی و دموکراسی در محل کار، راهنمای ما در این امر باشد."

جنبش اتحادیه‌ای، تجربه‌ی یونان را نمونه‌ی مفرط و مخرب‌ترین نمونه از اقدامات فاجعه‌بار ریاضتی می‌دانند که در اروپا به کار گرفته شده‌اند.

اقدامات ریاضتی منجر به افت ۲۵ درصدی در تولید ناخالص ملی شده و به هیچ افزایشی در قدرت تولید و رقابت نیانجامیده‌اند. اکنون حدود یک‌چهارم نیروی کار یونان بیکار است و درآمد واقعی آن بیش از ۲۱ درصد افت کرده است. بیکاری جوانان به حدود ۵۰ درصد رسیده است. صدها هزار تن کار، خانه و امکانات معیشت‌شان را از دست داده‌اند.



"امروزه اسپانیا به لیست سیاه شرم‌آوری از کشورهای پیوسته است که در آن‌ها جرم گرفتن فعالیت اتحادیه‌ای یک واقعیت است: گواتمالا، الجزیره، بلاروس، کره جنوبی، یونان، هندوراس و کلمبیا از زمره‌ی این کشورهایند."

اقدامات اختناق آمیز در امریکا نیز وجود دارند. نقاط ضعف موجود در قانون ملی روابط کار به کارفرمایان امکان می‌دهند که به اخراج دائمی کارگران اعتصابی دست زنند یا موانع مؤثری در راه آنان برای تشکیل اتحادیه ایجاد کنند.

دست زدن به اعتصاب برای کارگران دولت فدرال ممنوع است. به موجب قوانین ایالتی دست زدن به اعتصاب برای بسیاری از کارمندان دولت‌های ایالتی نیز قذغن است.

برعکس، اوائل سال جاری دیوان عالی کانادا در یک حکم تاریخی اعلام کرد که حق اعتصاب جزیی اساسی از روند قرارداد کار دسته جمعی است و این قانون اساسی کانادا از این حق صیانت می‌کند. حکم مذکور قانونی را که حق تعدادی از کارگران بخش دولتی برای اعتصاب را انکار می‌کرد،

خلاف قانون اساسی اعلام کرد.

از سوی دیگر با وجود دولت تحت رهبری سیریزا در یونان، امیدهای تازه‌ای در این کشور شکل گرفته‌اند. این دولت تصمیم دارد قوانین کار را که توسط دولت قبلی ملغا شدند، احیا کند.

شورای حکام سازمان بین‌المللی کار باید در ماه مارس ۲۰۱۵ در مورد اختلاف بین کارگران و گروه کارفرمایان تصمیم بگیرد. کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در صدد است.

بریتانیا-

افزایش مهاجران رومانیایی و بلغاری

در میان کارگران بریتانیا



مهاجرت کاری حرکتی روزانه از شرق اروپا به غرب آن

بی.بی.سی، ۱۸ فوریه ۲۰۱۵

بنا به داده‌های دفتر ملی آمار، تعداد کارگران مهاجر رومانیایی و بلغاری در بریتانیا در خلال یک سال ۱۵ درصد افزایش یافته است. در سه ماهه‌ی آخر سال ۲۰۱۴ جمعاً ۱۷۲ هزار تن از این دو کشور اروپای شرقی در بریتانیا مشغول به کار بوده‌اند.

او می‌افزاید: "آن‌ها حتی در تلاشی آشکار به منظور بی‌مایه کردن اقتدار و قابلیت جهانی سازمان بین‌المللی کار برای بسط حقوق پایه‌ای به شمول حق اعتصاب، دست به آزمایش این سازمان هم زدند تا ببینند آیا مستعد پذیرش تفسیر آنان از این پروتکل هست یا نه."

"علیرغم پافشاری کارفرمایان بر مواضع‌شان، آن‌ها حاضر نشدند این مواضع را به قضاوت دیوان بین‌المللی عدالت بگذارند و سازمان بین‌المللی کار را به بن‌بست کشانند."

«کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری» ۱۸ فوریه را روز عمل در دفاع از حق اعتصاب اعلام کرده است، تا روشن شود که کارگران حق اعتصاب، این حق مورد حمایت جهانی خود را و نخواهند نهاد و از دولت‌ها انتظار دارند که این حق را در سطح ملی و بین‌المللی محترم بشمرند.

حملات جهانی علیه حق اعتصاب

طبق «دفتر ثبت» کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌ها، حق اعتصاب مکرراً در سراسر جهان در قانون محدود و درعمل نقض شده است. نمونه‌های تکان‌دهنده در هر پنج قاره‌ی دنیا هم رخ داده‌اند.

وقتی اتحادیه‌ی کارگران راه‌آهن کره برای اعتصاب در شرکت راه‌آهن کره فراخوان اعتصاب داد، این شرکت بیش از ۶۷۰۰ کارگر را اخراج کرد؛ یعنی تقریباً تمام کارگرانی که به اعتصاب دست زده بودند.

گزارش‌هایی از فضای اختناق آمیزی در ضدیت با اتحادیه در این کشور وجود دارد و حکومت فعلی به جانب‌داری از بزرگترین شرکت‌ها در موضوعات کار و کارگری شناخته شده است.

در سوئیس، پنج تن از رهبران اتحادیه‌ی کارگران متحد حمل و نقل به موجب قانون ترابری زمینی، مورد پیگرد قرار گرفتند.

اتهام این افراد برگزاری جلسه‌ی اتحادیه در یک پارکینگ فرودگاه بوده است. این اتهام هنوز نیز متوجه آن‌هاست.

اخیراً در اسپانیا، ۲۶۰ کارگر به خاطر شرکت در اعتصاب مورد تعقیب قرار گرفتند.

بحران اقتصادی جاری دست‌آویزی برای دولت اسپانیا شده است تا حقوق کار و به خصوص حقوق کارگران جوان را به قهقرا بکشانند.

یسوس گالگو، از رهبران اتحادیه‌ای اسپانیا، می‌گوید: "۴۰ سال طول کشید تا مردم اسپانیا حق اعتصاب و تجمعات را کسب کنند."

بسیاری این حق را بدیهی می‌دانستند. حال به نظر می‌رسد که ما اشتباه می‌کرده‌ایم.»

که اگر توافقی حاصل نشود، به دادگاه بین‌المللی عدالت رجوع کند و رأی مشورتی آن را بخواهد.



وی بدنبال وقایع بند ۳۵۰ زندان اوین در اواخر فروردین ماه امسال و در حالی که بشدت مورد

این تعداد نسبت به سه ماهه‌ی نظیر در سال ۲۰۱۳، ۲۲ هزار نفر بیشتر است

ضرب و شتم قرار گرفته بود، ابتدا به بند ۲۴۰ و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد و نهایتاً از آنجا به زندان گوهردشت انتقال پیدا کرد و در این زندان بود

در ژانویه ۲۰۱۴، کارگران رومانیایی و بلغاری از حقوق کاری برابری با دیگر شهروندان اتحادیه‌ی اروپا در بریتانیا برخوردار شدند.

که به دلیل انتقالش به بند زندانیان خطرناک دست به اعتصاب غذا زد و علیرغم تحمل نزدیک به ۵ سال زندان بار دیگر با اتهامات واهی محاکمه و به ۹ سال و

داده‌های مذکور همچنین نشان می‌دهند که تعداد کارگران شهروندان اتحادیه‌ی اروپا در بریتانیا، در فاصله‌ی یک سال گذشته شده مجموعاً ۲۰۰ هزار، برابر ۵/۱۰ درصد، بیشتر شده و به ۹/۱ میلیون رسیده است.

چهار ماه زندان محکوم شد و به فاصله کوتاهی پس از این محاکمه از روز دوم بهمن ماه جاری به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید، و در طول ۲۶ روز گذشته هیچ خبری از وی در دست نبود.

بیشترین افزایش تعداد به مهاجران از کشورهای به اصطلاح ۸، که شامل لهستان، مجارستان و جمهوری چک می‌شود، تعلق داشته است.

کارگران ایران:

انتقال بهنام ابراهیم زاده

به قرنطینه زندان گوهردشت

اداره کار اردکان،

مانع بازگشت به کار نماینده کارگران

با وجود گذشت دو ماه از صدور حکم تبرئه نماینده کارگران معدن چادرملو، اداره کار اردکان هنوز حاضر به قبول دادخواست بازگشت به کار نماینده کارگران نشده است. بهرام حسینی‌نژاد دبیر اخراجی انجمن صنفی کارگران چادرملو که در پی شکایت کارفرما پس از اعتصاب یک ماهه کارگران این شرکت معدنی در سال گذشته از کار اخراج شده بود، در دو ماه گذشته با وجود صدور حکم تبرئه از تمام اتهامات موفق به بازگشت به کار نشده است. حسینی‌نژاد در این باره به اینلا گفت: متأسفانه پس از طرح شکایت من در اداره کار اردکان، این اداره ارائه دادخواست بازگشت به کار از سوی من را بی‌مورد دانسته و پیگیری این امر را موقوف به رای دیوان عدالت اداری کرده است در حالی که حکم اخراج من توسط اداره کار و با شکایت کارفرما صادر شده بود و پس از تبرئه شدنم دیگر این اقدامات توجیهی ندارد. وی اضافه کرد: مسئولان اداره کار اردکان حتی حاضر به پذیرش دلایل دادخواست من مبنی بر بازگشت به کار نشده‌اند و اعلام کرده‌اند این مسئله باید در راستای طرح شکایت خودم در دیوان عدالت اداری پیگیری شود.



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و حقوق کودکان به قرنطینه زندان گوهردشت منتقل شد، بنا بر اظهار همسر بهنام ابراهیم زاده هنوز معلوم نیست که بهنام را به کدام بخش این زندان منتقل کنند.

بهنام ابراهیم زاده پس از محاکمه مجدد و محکومیت به ۹ سال و چهار ماه زندان از روز دوم بهمن ماه جاری به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بود و در طول ۲۶ روز گذشته خانواده اش از وضعیت وی هیچ اطلاعی نداشتند. بنا بر اظهار همسر بهنام ابراهیم زاده، وی طی تماسی تلفنی از زندان گوهردشت اعلام کرد: "به قرنطینه این زندان منتقل شده است و معلوم نیست که او را به کدام بخش زندان منتقل کنند".

بهنام از جمله فعالان کارگری محکم و استواری است که بارها در اعتراض به شرایط خود و بدرفتاری مسئولان زندان دست به اعتصاب غذا زده است.



تجمع کارگران تبریز کف در محوطه کارخانه

کارگران اخراجی، از چهار روز پیش به واحد اداری معدن فرا خوانده شده بودند و همه مطالبات آنان که شامل سنوات، عیدی و سایر مزایای شغلی می‌شد به آنان پرداخت شده و حتی عضویت این ۲۶ کارگر در تعاونی مصرف کارگران لغو شده است.

بر اساس ادعای کارگران فصلی معدن آق دره، از مجموع ۲۶ کارگر، ۱۲ تن در جریان شکایت کارفرمای این واحد معدنی به نهاد قضایی تکاب احضار شده بودند که اکنون با قید وثیقه آزاد شدند.

کارگران همچنین گفتند: دلیل تشکیل پرونده قضایی برای کارگران معترض، واکنش حدود ۳۵۰ نفر از کارگران این معدن به اخراج‌شان بوده است.

اخبار کوتاه

تجمع کارگران پلی اکریل اصفهان

بر اساس اطلاعاتی که از سوی فعالان کارگری اصفهان منتشر شده است، جمعی از کارگران و رانندگان کارخانه پلی اکریل اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود حرکت‌های اعتراضی کردند.

همچنین در مورد اعتراض کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان گفته می‌شود که در روزهای سه شنبه و چهارشنبه (۲۷ و ۲۸ بهمن‌ماه) حدود ۲۰۰ کارگر کارخانه پلی اکریل در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات دو ماه اخیر (دی و بهمن سال ۹۳) به مدت چند ساعت در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.

بازنشستگی اجباری نماینده کارگران

نماینده کارگران معدن زغال سنگ البرز شرقی از تحمیل حکم بازنشستگی به وی یک سال و نیم پیش از فرارسیدن زمان بازنشستگی اش خبر داد.

اخراج ۲۴۴ کارگر در کارخانه فولاد آذربایجان

بر اساس تصمیم مالک جدید کارخانه فولاد آذربایجان تا یک هفته دیگر تعداد ۲۴۴ کارگر این واحد صنعتی پس از اتمام مدت قرارداد کار اخراج خواهند شد.

پایان اعتصاب کارگران کارخانه لوله و نورد صفا

اعتصاب صنفی نزدیک به ۱۰۰۰ کارگر لوله و نورد صفا روز (۲۶ بهمن) با وعده پرداخت بخشی از معوقات حقوقی کارگران تا ۱۲ اسفند ماه، به پایان رسید.

در همین حال به گفته کارگران، علاوه بر اخراج ۱۰ تن از کارگران متخصص، ۴ تن دیگر از کارگران به دلیل عدم رضایت از نحوه پرداخت مطالبات حقوقی، اقدام به تسویه حساب و ترک کار کرده‌اند.

شماری از کارگران کارخانه «تبریز کف» صبح (۲۸ و ۲۹ بهمن ماه) در واکنش به تعویق ۶ ماه حقوق و سایر مزایای جانبی خود، در محوطه کارخانه تجمع کردند. منابع کارگری ایلنا در کارخانه تبریز کف گزارش کردند؛ اعتراض کارگران از دیروز ۴ بعد ظهر در واکنش به بی‌توجهی کارفرما کارخانه به پرداخت مطالبات معوقه آنان صورت گرفته است. به گفته کارگران تبریز کف، مطالبات معوقه آنان تا چند ماه قبل بیشتر از ۶ ماه بوده اما کارفرما اخیراً ۴ ماه آن را به صورت یکجا به حساب کارگران پرداخت کرده است. کارگران می‌گویند علاوه بر تعویق حقوق کارگران قدیمی کارخانه، کارفرما حقوق ۶۰ نیروی کار جدیدی که از مهر ماه به استخدام کارخانه در آمده اند را پرداخت نمی‌کند. کارگران همچنین گفتند: در خصوص پی گیری مشکلاتمان در کارخانه کف تبریز نامه نگاری‌های زیادی با برخی مسئولان استان و شهرستان انجام داده ایم اما تا کنون به موضوع مشکلات کارگران توجه‌ای نشده است. کارگران تبریز کف میانگین مطالبات معوقه خود را حدود ۱۶ تا ۱۷ میلیون تومان ذکر کردند و در ادامه در خصوص مشکلات بیمه‌ای خود گفتند؛ علاوه بر ۶ ماه حقوق، چندین ماه است که کارفرما از پرداخت بیمه کارگران به تأمین اجتماعی خودداری می‌کند. کارگران می‌گویند؛ تنها واکنش کارفرمای کارخانه کف تبریز به مطالبات حدوداً ۲۱۰ کارگر اینست که می‌گوید وضع مالی من به نسبت شما کارگران بدتر است.

به دلیل اعتراض صنفی:

۲۶ فعال کارگری از معدن طلای «آق‌دره»

اخراج شدند



تسویه حساب کامل با ۲۶ کارگر فصلی به این دلیل انجام شده است که مدیران معدن طلای آق دره در جریان اعتراض ۳۵۰ کارگر فصلی در روز ششم دی ماه، آنان را عامل اصلی اغتشاش در معدن معرفی کرده بودند.



کارگران شرکت پیمانکاری "استیم" به اعتصاب پایان دادند

اتحادیه آزاد کارگران ایران:

در سومین روز اعتصاب کارگران شرکت پیمانکاری استیم در پتروشیمی ایلام، کارفرمای این شرکت با مشاهده عزم کارگران برای ادامه اعتصاب ناچار شد، حقوق آبان ماه آنان را پرداخت کند و نسبت به پرداخت باقی مانده دستمزد معوقه این کارگران متعهد شود.

کارگران شرکت استیم از صبح روز ۲۸ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه از دستمزدشان دست به اعتصاب زده بودند. این کارگران در حال حاضر سه ماه دستمزد معوقه طلب دارند.

📖 حوادث کار



سه کارگر ساختمانی دچار گازگرفتگی شدند

سه کارگر ساختمانی در تهران بر اثر گازگرفتگی دچار مسمومیت شدند. سه کارگر ساختمانی در تهران بر اثر گازگرفتگی دچار مسمومیت شدند.

به گزارش ایلنا، این حادثه در اتاقک اسکان کارگران یک ساختمان ۵ طبقه در حال ساخت واقع در خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک وی، خیابان قرنی اتفاق افتاد.

سه کارگر تبعه افغانستان در سنین ۲۰، ۲۸ و ۳۰ سال که دچار مسمومیت شده بودند توسط عوامل آتش‌نشانی نجات یافتند.

۸ کشته در حادثه سقوط آسانسور حمل بار

در پی حادثه سقوط آسانسور حمل بار در یک مجتمع مسکونی در حال ساخت از ارتفاع ۳۰ متری در بلوار کشاورز اصفهان، ۸ کارگر ایرانی بین سنین ۳۰ تا ۴۰ ساله، در دم جان باختند و یک کارگر ۳۰ ساله نیز به شدت مصدوم شد.

در پی حادثه سقوط آسانسور حمل بار در یک مجتمع در حال ساخت در اصفهان، که به کشته و مجروح شدن ۹ تن انجامید، روابط عمومی پزشکی قانونی اسامی کشته شدگان این حادثه را اعلام کرد.

بر اساس اطلاعاتی که توسط روابط عمومی پزشکی قانونی کشور در اختیار ایلنا قرار گرفته است، «اسماعیل بیگی»، «اکبر دیانی»، «محمود افشاری»، «غلامرضا عطایی»، «حسین مرادی»، «محمود چهرآزی»، «قدرت الله نجاتی» و «اسماعیل بختیار» ۸ کشته شده حادثه سقوط آسانسور حمل بار در اصفهان هستند.

همچنین حال «محمد صفری» تنها مصدوم حادثه که هم اکنون در بیمارستان الزهرا اصفهان بستری است وخیم گزارش شده است و وی هم اکنون در بخش احیاء اورژانس مرکز درمانی الزهرا در بیهوشی به سر می‌برد. یکی از اعضای کادر درمانی محمد صفری به خبرنگار ایلنا گفت: حال این کارگر مصدوم مساعد نیست و از روز گذشته که به این واحد درمانی منتقل شده در بیهوشی کامل به سر می‌برد و دچار شکستگی‌های متعددی در نواحی سر و سایر نقاط بدن شده است.

محکومیت کارفرمای معدن «گله توت»

در حادثه معدن گله توت که منجر به کشته شدن یک کارگر ۲۳ ساله شد، کارفرما ۱۰۰ درصد مقصر شناخته شد. به گزارش خبرنگار ایلنا در پی وقوع حادثه ریزش معدن زغال سنگ گله توت در زرن کرمان که روز ۲۸ دی ماه به وقوع پیوست و منجر به کشته شدن مسلم رشیدی (کارگر جوان) این معدن شد، کارفرمای معدن گله توت به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی و خطای انسانی، مقصر شناخته شد و پرونده هم اکنون جهت بررسی در اختیار مراجع قضایی قرار گرفته است تا نسبت به پرداخت دیون و خسارت کارگر از سوی کارفرما اقدامات لازم صورت گیرد.

مصدومیت ۳ کارگر «آلومینیوم سازی اراک»

کارگر ۴۱ ساله‌ای پس از آنکه حین انجام کار از پله سقوط کرد، دستگاه مکنده مواد مذاب به روی او افتاد. بر اثر وقوع دو حادثه جدا گانه طی یک روز در کارخانه آلومینیوم سازی اراک، سه کارگر مصدوم شدند.

به گزارش ایلنا، در حادثه نخست که بعد از ظهر روز شنبه (۲۵ بهمن) حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر در بخش احیاء کارخانه آلومینیوم سازی اراک رخ داد، کارگر ۴۱ ساله‌ای بنام «مهدی احمدی» پس از آنکه حین انجام کار از پله سقوط کرد، دستگاه مکنده مواد مذاب به روی او افتاد. کارگران می‌گویند این دستگاه که حدود ۳۵۰ کیلوگرم وزن داشته است، بعد از کار می‌بایستی به «کرن» وصل می‌بود و به دلیل آزاد بودن دستگاه در کنار پله‌ها چنین حادثه‌ای رخ داده است.

بنابراین گزارش، احمدی ظرف دو روز اخیر به دلیل خونریزی از ناحیه شکم مورد عمل جراحی قرار گرفته و دو بار نیز ناحیه میچ پای او جراحی شده است.



وضعیت حاکم بر آموزش و پرورش کشور از شرایط کار و زیست معلمان گرفته، تا گزینش های غیر علمی و به روز نشدن امکانات آموزشی، تا مدارس کانکسی و بکارگیری معلمان خارج از چهارچوبهای استاندارد آموزشی با هدف پرداخت حقوق کمتر، تا فشارهای روحی و روانی ناشی از شرایط سخت معیشتی بر معلمان و به تبع آن نداشتن توان کافی در عمل کردن به وظیفه آموزشگارشان، تا بسط و گسترش مدارس غیر انتفاعی و تلاش برای نهادینه کردن مدارس هیات امنائی به جای مدارس دولتی با هدف برچیدن کامل آموزش رایگان و...، آنچنان شرایطی را پدید آورده است که تربیت علمی و اجتماعی نسل آینده کشور در حال نابودی کامل است.

مجموعه این شرایط درد آور و احساس والای مربیگری و آموزگاری آن انگیزه بزرگی است که معلمان سراسر کشور را به ایفای نقشی تاریخی رهنمون کرده و امروز آنان به میدان آمده اند تا با دفاع از منزلت خود، ایفاگر نقشی دگرگون کننده در آموزش و پرورش کشور و به تبع آن استیفاگر حقوق از دست رفته فرزندان همه مردم زحمتکش ایران در برخورداری از یک جامعه سالم و انسانی باشند.

مطالبات معلمان، مطالبات ما کارگران و عموم مردم زحمتکش ایران است. فقر و فلاکت و تمامی آن شرایط سخت و غیر قابل تحملی که امروز بر صدها هزار معلم تحمیل شده، تماماً بر ما کارگران نیز تحمیل شده است.

درد ما چه در رابطه با معیشت مان و چه در رابطه با احساس مسئولیت مان در برابر وضعیت آموزش و پرورش و آینده فرزندانمان، دردی مشترک است. ما کارگران فریاد اعتراض معلمان هستیم و آنان فریاد اعتراض ما.

در همبستگی با معلمان، حمایت قاطعانه خود را از مطالبات و اعتراضات آنان اعلام می داریم و بدینوسیله از خانواده های کارگران و همه والدین دانش آموزان در سراسر کشور می خواهیم تا از طریق طومار نویسی یا مراجعه به مراکز آموزش و پرورش و حضور در کنار معلمان خواهان تحقق فوری مطالبات بر حق آنان بشوند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -

۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۳

همچنین منابع خبری ایلنا در اراک گزارش داده اند درحادثه دوم روز شنبه در کارخانه آلومینیوم سازی راک، دو کارگر بخش دیگری از کارخانه بر اثر ریزش مواد مذاب (سایفون) بر روی بدنشان و سقوط از پله ها دچار آسیب دیدگی جدی شده اند که هم اکنون این دو نیز در بیمارستان ولیعصر اراک بستری هستند.

اطلاعیه ها

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون اعتراض معلمان کشور

حمایت قاطع خود را از مطالبات معلمان

اعلام می داریم



بدنبال ارائه طومار شش هزار معلم کشورمان به مجلس شورای اسلامی در اعتراض به زندگی زیر خط فقر، اکنون صنفی معلمان ایران با انتشار بیانیه ای با ابراز نارضایتی شدید از شرایط حاکم بر آموزش و پرورش و وضعیت معیشتی معلمان اعلام کرد تقاضای رسمی خود را برای برگزاری یک تجمع اعتراضی در روز ۱۰ اسفند ماه از وزارت کشور به این وزارت خانه ارایه داده است.

دیگر هیچ انسان زحمتکشی در این جامعه تحمل فقر و فلاکت موجود را ندارد. فقر و نداری سایه خود را بر همه جا گسترانده و هیچ انسان زحمتکشی از کارگر و معلم گرفته تا پرستار و بازنشسته و نیروی کار ماهر و غیر ماهر از این بلای خانمان سوز در امان نیست.

شرایط به قدری تکان دهنده است که معلمان این مربیان بزرگ و دلسوز جامعه بشری به سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان شان بدل شده اند و بالاجبار برای گذران زندگی تن به شغل دوم و سوم داده اند.



جعفر عظیم زاده در گفت وگو با سایت اتحاد:

برای جلوگیری از تصویب حداقل مزدی خفت بار اعتراض کنیم



اشاره:

این روزها بحث مزد بار دیگر به مرکز ثقل مباحث کارگری در بسیاری از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های رسمی کشور تبدیل شده است و در این میان نماینده‌های به اصطلاح کارگری در شورای عالی کار همراه با صدارت نشینان وزارت کار و تشکل‌ها و نهادهای دست ساز همچون سال‌های پیش برای تحمیل دستمزدی خفت بار بر میلیون‌ها کارگر در حال خیمه‌شب‌بازی هر ساله‌شان هستند. یکی آماري از سبد هزینه ارائه می‌کند، آن دیگری بر سبد هزینه به عنوان مبنای تعیین حداقل مزد تاکید می‌کند و محبوب از عدم امضای حداقل مزد در صورت پایین بودن مزد تعیین شده صحبت به میان می‌آورد و همه اینان همراه با صدارت نشینان وزارت کار ضمن اشاره‌های مختلف بر ستم معیشتی که بر کارگران ایران رفته است از چانه زنی میان کارفرمایان و نماینده‌های به اصطلاح کارگری در جلسات شورای عالی کار صحبت می‌کنند و مطابق معمول هر ساله در حال بازار داغی حرف و حدیث‌هایی هستند که در این جلسات مطرح می‌شود. بی تردید چنین مباحثی در رسانه‌های رسمی کشور برای میلیون‌ها کارگر مباحثی آشناست و عموم کارگران در سراسر کشور می‌دانند که همه این حرف و حدیث‌های ریز و درشت و به ظاهر درست و موجه، خیمه‌شب‌بازی‌ای بیش برای تحمیل حداقل مزدی خفت بارتر از پیش در پایان سال نیست.

جعفر عظیم زاده از هماهنگ‌کنندگان طومار چهل هزار کارگر که طی دو سال گذشته همراه با همکارانش از کوشندگان افزایش حداقل

در مزد بوده است و به دلیل همین فعالیت و تلاش در انتظار محاکمه روز ۱۰ اسفند ماه با اتهامات واهی است، در رابطه با بازار داغی مباحث حداقل مزد از سوی نماینده‌های به اصطلاح کارگری و تشکل‌ها و نهادهای کارگری دست ساز دولتی به سایت اتحاد اظهار داشت:

همان طور که شما اشاره کردید همه این بازار داغی‌ها و طرح مباحث مزد و ارائه آمار و ارقام سبد هزینه معیشت از سوی نهادهای کارگری دست ساز دولتی و مباحث ریز و درشت دیگری از این دست، تماماً یک خیمه‌شب‌بازی است که هر ساله جریان دارد اما در این میان چیزی که عاید میلیون‌ها کارگر می‌شود تحمیل دستمزدی خفت بار است که هر ساله قدرت خرید ما کارگران را کاهش می‌دهد بطوری که این روند طی سال‌ها و دهه‌های گذشته چنان درجه‌ای از فقر و فلاکت را بر ما کارگران تحمیل کرده است که هم اکنون طبق آماري که برخی کارشناسان رسمی فقر داده‌اند دریافتی متوسط کارگران با اضافه کاری و... که مبلغی حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است با سبد هزینه یک خانوار چهار نفره کارگری، حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فاصله دارد.

جعفر عظیم زاده در ادامه این گفتگو در رابطه با مباحثی که این روزها از سوی نماینده‌های به اصطلاح کارگری در شورای عالی کار و نهادهای تشکل‌های رسمی دست ساز دولتی و وزارت کار در رابطه با سبد هزینه و سایر مسائل مربوط به حداقل مزد مطرح می‌شود اظهار داشت: چنین رویکردی از سوی اینان تازگی ندارد. این کار هر ساله این آقایان و نهادهای دست ساز کارگری و وزرات کاری‌ها و دولت است. اینان سال‌های گذشته نیز آمار و ارقام ارائه کردند و حرف و حدیث‌های درشتی زدند اما در کنار این گونه حرف و حدیث‌های به ظاهر مثبت، با رندی تمام با طرح مسائل دیگری

هر ساله معیشت ما کارگران را قربانی منافع دولت به عنوان کارفرمای بزرگ و دیگر کارفرمایان ریز و درشت کرده‌اند. از جمله مسائلی که سال‌های گذشته برای توجیه امضای مزدی خفت بار در شورای عالی کار مطرح می‌کردند، موضوع اخراج کارگران از سوی کارفرمایان و بالا رفتن تورم در صورت افزایش واقعی مزد بود اما امسال خوشبختانه زبان‌شان در طرح اینگونه مباحث در نتیجه بحث‌های درستی که ما و دیگر فعالین کارگری مستقل مطرح کردیم بسته شده است و دیگر از این گونه بحث‌های عوام‌فریبانه از سوی کارشناسان جیره‌خوار و نماینده‌های دست ساز کارگری در شورای عالی کار و وزرات کاری‌ها خبری نیست به همین دلیل اینان امسال روش دیگری را برای تحمیل ما کارگران و افکار عمومی بکار گرفته‌اند تا نهایتاً قادر به توجیه تحمیل حداقل مزد ناچیزی بر ما کارگران در سال ۹۴ نیز بشوند.

وی افزود: همانطور که اشاره کردم امسال هیچ خبر و بحثی در مورد اخراج کارگران و افزایش تورم به دلیل افزایش واقعی مزد مطرح نیست اما اگر توجه کنید اغلب این خبر در جریان است که نماینده‌های کارگران و کارفرمایان در حال چانه زنی در جلسات مزد هستند. مسئولین وزارت کار نیز در اظهار نظری اعلام کرده‌اند: ما افزایش میزان مزد را به این نماینده‌ها واگذار کرده‌ایم تا خودشان به نتیجه برسند. طرح چنین بحثی از سوی مسئولین وزارت کار بسیار قابل



لذا به نظر من در شرایط حاضر در عین توجه به چنین سطحی از مبارزه و تلاش برای تشکیل یابی در محیط های کار و از این رهگذر سازماندهی مبارزه ای متحدانه و سراسری، می توان به اشکال دیگری به میدان آمد و خواست افزایش مزد را بر اساس سبد هزینه یک خانواده کارگری مطابق با استانداردهای زندگی امروزی تا حدودی بر دولت و کارفرمایان تحمیل کرد.

وی افزود: اعتراضی که اخیرا کارگران ایرانخودرو و دیگر صنایع خودرو سازی از طریق تحریم غذای کارخانه انجام دادند خود یکی از اشکال یک مبارزه تاثیر گذار برای افزایش واقعی حداقل مزد (پایه) است که به نظر من چنانچه کارگران ایرانخودرو به موازات این اعتراض، حتی در جمعی ۲۰۰ - ۳۰۰ نفره به عنوان کارگران ایرانخودرو در محل وزارت کار نیز اجتماع می کردند

و خواهان افزایش واقعی حداقل مزد می شدند شرایط در مورد چگونگی تعیین حداقل مزد در شورای عالی کار تا به همین جا به نفع کارگران تغییر می کرد و یا این که همین الان چنانچه کارگران دهها شرکت و کارخانه دیگر نیز با همان سبک و سیاق کارگران ایرانخودرو با خواست افزایش مزد پایه در محل کارخانه دست به اعتراض بزنند و به موازات این اعتراض در گروه های حتی ۱۰۰ و ۲۰۰ نفره به وزارت کار مراجعه کنند و با تجمع در محل این وزارتخانه خواهان افزایش واقعی حداقل مزد بشوند به نظر من و بطور واقعی، ما با شرایط به غایت متفاوتی به نفع کارگران نسبت به تعیین حداقل مزد مواجه خواهیم شد و دولت و کارفرمایان قادر نخواهند شد هر آنچه را که مورد نظرشان است بر ما کارگران تحمیل کنند و ناچارند به نسبت بیشتری اقدام به افزایش حداقل مزد (مزد پایه) کنند.

جعفر عظیم زاده در پایان این مصاحبه تاکید کرد: به نظر من بسط و گسترش این گونه حرکت های اعتراضی در شرایط حاضر در هر کارخانه ای کاملا شدنی است و هیچ منع قانونی نیز در رابطه با اینگونه اعتراض ها و یا تجمع در محل وزارت کار وجود ندارد.

لذا خیلی به جاست که ما کارگران در کارخانه های مختلف در هفته ها و روزهای باقی مانده به تصویب حداقل مزد در شورای عالی کار، همچون کارگران ایرانخودرو با اعتراض به مزد پایه ناچیز در محل کار و همچنین با مراجعه در گروه های ۱۰۰ و ۲۰۰ نفره (تعداد خیلی بیشتر بهتر) به وزارت کار و اجتماع در محل این وزارتخانه که تاکید می کنم هیچ منع قانونی نیز ندارد خواهان افزایش حداقل مزد بشویم. وگرنه همان طور که در اول این مصاحبه تاکید کردم حداقل مزد امسال نیز با خیمه شب بازی شکل های دست ساز دولتی همچون سال های گذشته و چه بسا که بدتر از سال های گذشته رقم خواهد خورد و ما کارگران و خانواده هایمان در معرض فقر فلاکتی روز افزون تر قرار خواهیم گرفت. به نظر من نباید ذره ای امید به درشت گوئی های خانه کارگری ها و کانون عالی شوراهای اسلامی و انجمن های صنفی و نماینده های دست ساز کارگری در شورای عالی کار داشت. کار اینان بازار داغی و خیمه شب بازی برای جلوگیری از اعتراض ما کارگران و تحمیل حداقل مزدی ناچیز و خفت بار است.

تامل است، به این معنا که در انتهای چنین رویکردی، بر بالای سر تحمیل مزدی خفت بار در سال ۹۴ این موضوع را قرار خواهند داد که شرکای اجتماعی؟! یعنی نماینده های کارگران و کارفرمایان با توجه به معضلات موجود، با رضایت همدیگر خود به این نتیجه رسیدند که علی الحساب با افزایش حداقل مزد مثلا به میزان ۱۷ درصد موضوع افزایش واقعی حداقل مزد و پر کردن فاصله آن با سبد هزینه بالای سه میلیون تومان را در سال جدید مورد مباحث کارشناسانه تری قرار بدهند تا انشاءالله این موضوع به نفع جامعه کارگری حل بشود؟! جعفر عظیم زاده در ادامه این مصاحبه گفت: چنین رویکردی از سوی وزارت کار و برجسته کردن این نکته که گویا این وزارتخانه دست نماینده های کارگران و کارفرمایان را در شورای عالی کار در دست هم گذاشته تا خود به نتیجه برسند به نظر من اولین پله قانون شکنی و برخورد ریاکارانه با تحمیل حداقل مزد ناچیز بر ما کارگران است که هر ساله به اشکال مختلفی تکرار می شود. چه کسی گفته و یا کجای قانون آمده است که برای تعیین مزد کارگران، نماینده های دست سازی با کارفرمایان چانه زنی کنند. کجای ماده ۴۱ قانون کار و در کدام تبصره اش آمده است که حداقل مزد کارگران می باید با چانه زنی تعیین بشود. نکته دوم اینکه در چنین معادله و رویکردی یک عوامفریبی بسیار بزرگتری نیز نهفته است و آن اینکه در این میان ارباب بزرگ یعنی دولت و نهادهای قدرتمند و بزرگ شبه دولتی که اکثریت قریب به اتفاق کارگران تحت پوشش قانون کار را در استخدام خود دارند عملا در سایه قرار داده می شوند و تعیین حداقل مزد ما کارگران را برای تحمیل مزدی خفت بار بر دوش نماینده های کارگری دست آموز و عده ای کارفرمای ورشکسته و نیمه ورشکسته بخش خصوصی می گذارند تا در چنین سطح نازلی از قدرت اقتصادی کارفرمایی و نماینده دست ساز کارگری حداقل مزد رقم بخورد.



جعفر عظیم زاده در رابطه با این پرسش که با توجه به اینکه هیچ امیدی به بحث ها و بازار داغی خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی و نماینده های دست ساز کارگری نیست تا حداقل مزد کارگران به اندازه ای افزایش پیدا کند که فاصله سبد هزینه بالای سه میلیون تومانی با حداقل مزد ۶۰۸ هزار تومانی پر شود پس چه باید کرد، گفت:

روشن است. ما از سال ۹۱ مبارزه ای نسبتا سراسری را با جمع آوری طومار ۴۰ هزار امضا سازمان دادیم و امسال کارگران صنایع خودرو سازی برای افزایش مزد دست به اعتراض زدند. به نظر من تنها راه تحمیل خواست های ما کارگران بر دولت، تشکیل یابی مستقلانه و سازماندهی و جا انداختن یک مبارزه سراسری و متحدانه است اما واقعیت این است از آنجا که قدرت حاکم، قرار گرفتن طبقه کارگر در این سطح از سازمان یابی را پایان دوران برده داری خود می داند عملا راه را بر هرگونه ابراز وجود طبقه کارگر در این سطح بسته است.



اعتصاب کردند و تقاضای خود را در باره بهبود وضع خود و اضافه دستمزد به کارفرمایان ابلاغ داشتند، در این موقع سرلشکر زاهدی عامل معروف امپریالیزم به حمایت کارفرمایان برخاست ولی اعزام سربازان به کارخانجات و سرنیزه برای فرونشاندن اعتصاب سودی نبخشید.

در نتیجه مقاومت کارگران به رهبری بهرامپور و صرافیان و غیره کارفرمایان مجبور شدند ۲۵ درصد به مزد کارگران اضافه کنند و ضمن پرداخت حقوق ایام تعطیل روزی دو نان مجانی به کارگران تسلیم نمایند (چون موقع جنگ نان و خواربار کمیاب بود). ضمن این اعتصابات که به وسیله تقی فداکار و محرمعلی شمیله، رهبری می شد، اتحادیه کارگران اصفهان به شورای متحده مرکزی پیوست با وجود این ترقی روزافزون خواربار، مبارزه کارگران ادامه یافت تا دولت مجبور شد دکتر شیخ را برای رسیدگی به وضع کارگران به اصفهان اعزام دارد. او مشاهده کرد که کارگران باره ای اوقات برای "سیر کردن شکم های گرسنه خود"

اینان هر ساله چنین می کنند، دست به فضا سازی می زنند، اعتراض رسانه ای پر سر و صدائی را با مصاحبه و ارائه آمار و ارقام راه می اندازند و دست آخر در روزهای پایانی سال امضای خود را بر پای مزدی ناچیز و خفت بار می گذارند. به همین دلیل همه ما کارگران در سراسر کشور باید خودمان راسا و به شکلی که در رابطه با تجربه اعتراض کارگران ایرانخودرو و یا مراجعه گروهی به محل وزارت کار و اجتماع در آنجا مطرح کردم و به اشکال مقتضی دیگر که خودمان صلاح می دانیم باید نسبت به سرنوشت مزد و معیشت مان عکس العمل نشان بدهیم و اجازه ندهیم هر آنچه را که دولت و کارفرمایان خود می خواهند، خود ببرند و خود بدوزند و فقر و فلاکت روز افزون تری را بر ما تحمیل کنند.

تاریخ کارگری

پیش کسوتان جنبش کارگری در ایران

(بخش پایانی)



رضا روستا/ راه توده

گاه" می خورد. بالاخره در اثر مذاکره کارگران با کارفرمایان مقرر گردید که کارگران سالی دو دست لباس و یک ماه حقوق به عنوان عیدی و مزایای دیگری دریافت دارند. در اثر این موفقیت کارفرمایان به کمک حزب ارتجاعی وطن و عمال سیدضیاء برای اضمحلال سندیکاهای کارگری وارد عمل شدند. در فروردین سال ۱۳۲۳ عده ای از اوباش و چاقو کشان عمال سیدضیاء و کارفرمایان به اتحادیه های کارگری اصفهان حمله ور شدند و سلاح های گرم و سرد به کار بردند و عده ای از کارگران مقاوم را مجروح کردند که در اثر جراحات وارده دو تن از آنها فوت کردند.

برای جلوگیری از این تحریکات و جنایات، کارگران اعتصاب عمومی اعلام کردند و مدت هشت روز اعتصاب ادامه یافت تا آنکه دولت مجبور شد آقای قیامی را برای رسیدگی به ماهیت امر و اداره امور فرمانداری شهر اصفهان اعزام دارد. قیامی وضع حقوقی کارگران را به دولت و مجلس گزارش داد، دخالت شهربانی و ارتش و عمال سیدضیاء را تایید کرد. با این گزارش نقشه موزیانه ارتجاع فاش شد. دولت و کارفرمایان که در این مرحله از مبارزه شکست خوردند از راه دیگری برای اعمال فشار به کارگران وارد عمل شدند و بجای قیامی، رضاافشار را به اصفهان فرستادند و حزب نهضت ملی را به وجود آوردند

در عین حال به تشکیل اتحادیه های قلابی و دولتی پرداختند. شمس صدی و کیوان را که سابقا از رهبران اتحادیه ها بودند خریدند. در این اتحادیه های کارگری و کارفرمایی با کمک ارتش و شهربانی مجدداً به کلوب اتحادیه های شورای متحده و حزب حمله ور شدند و در ۷ فروردین ۱۳۲۳ اثاثیه و اموال کلوب ها را به غارت بردند، عده زیادی، منجمله "محمود بقراط" شدیداً مجروح گردیدند. در دوران جنگ اتحادیه های کارگری کمک های موثری در حمل و نقل اسلحه و مهمات و کالاهای ضروری به اتحاد شوروی کردند.

نهضت سندیکائی

در جنگ دوم جهانی و پس از آن

پس از ورود نیروهای متفقین به ایران و سقوط دیکتاتوری رضاشاه رهبران و فعالان حزب و اتحادیه های کارگری که در زندان ها و تبعید گاه ها به سر می بردند آزاد شدند، اعتلای نهضت دموکراتیک و کارگری از نو آغاز گردید. در پائیز سال ۱۹۴۱ حزب توده ایران تشکیل شد و این حزب کمک های موثری به تشکیل اتحادیه های کارگری، تمرکز آنها و رهبری ایدئولوژیک آنان کرد. در سال ۱۹۴۲ شورای مرکزی اتحادیه های ایران تشکیل شد. در همان سال کارگران اصفهان با اعتصاب خود توانستند ساعت کار روزانه را تقلیل دهند، دستمزد را زیاد کنند، تعطیل سالانه و امتیازهای دیگری به دست آورند. این پیروزی کارگران اصفهان تأثیر فراوانی به اعتلای نهضت کارگری در کشور داشت. در مرداد ۱۳۲۱ در اصفهان کارگران کارخانه های شهرضا و پشمباف و صنایع پشم



زحمتکشان کشور دست به نمایش های عظیمی زدند. در این نمایشات بیش از ۹۰۰ هزار تن شرکت کردند و از دولت و مجلس خواستند که هر چه زودتر لایحه قانون کار را به تصویب برساند. بر اثر همین نمایشات و فشار توده ها بود که مجلس مجبور شد در سال ۱۹۴۵ یکی از خواست های کارگران را بصورت بیمه کارگران تصویب کند. بر اساس این قانون برای بیمه کارگران ۲ درصد از حقوق کارگران منظور می شد و ۳ درصد را می بایست کارفرمایان می پرداختند. پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و پیروزی متفقین بر آلمان هیتلری جنبش کارگری و دموکراتیک ایران باز هم بیشتر توسعه یافت. گسترش نهضت دموکراتیک در آذربایجان و کردستان ایران کمک موثری برای جنبش کارگری و دموکراتیک در سراسر کشور بود. در آوریل سال ۱۹۴۶ کارگران نفت اتحادیه خود را تشکیل دادند و به شورای متحد مرکزی پیوستند، در اول ماه مه ۱۹۴۶، روز همبستگی بین المللی کارگران بیش از ۷۰۰ هزار کارگر در تهران و سایر شهرهای ایران نمایش دادند. نمایش اول ماه مه ۱۹۴۶ به مارش موفقیت آمیز اتحادیه کارگران مبدل شد و در تمام شهرهای مهم ایران مانند تهران، آبادان، تبریز و اصفهان و رشت و کرمانشاهان و سایر نقاط ایران کارگران به تظاهر و نمایش پرداختند. در این موقع "محرملی شمیده" از طرف کارگران آذربایجان در جشن اول ماه مه در تهران شرکت کرد و وحدت نهضت کارگری آذربایجان را با نهضت سرتاسری ایران طی مصاحبه ای بیان داشت در ۱۰ ژوئیه سال ۱۹۴۶ اتحادیه مهندسين نیز در نخستین کنگره خود تصمیم همکاری با شورای متحد مرکزی را اتخاذ کرد.



با این ترتیب در اواسط سال ۱۹۴۶ شورای متحده مرکزی به صورت یگانه مرکز اتحادیه کارگری و کارمندان و روشنفکران کشور در آمد. بر اساس همین وحدت اتحادیه های کارگری بود که شورای متحد مرکزی در ۱۳ آوریل ۱۹۴۵ به اتحادیه های اتحاد شوروی، انگلستان و فرانسه مراجعه و تقاضا کرد که برای برقراری تماس با اتحادیه های کارگری ایران بازدید و از وضع طبقه کارگر ایران نمایندگانی به کشور ما اعزام دارند. تنها اتحادیه های شوروی دعوت ما را قبول کردند و هیئت نمایندگی اتحادیه های شوروی به ریاست بوریسوف مسئول اتحادیه های اتومبیل سازی زیل (زیمس سابق) از شهرها و موسسات کارگری تهران و مازندران و آذربایجان ایران بازدید کرد و بازدید این هیئت از ایران در دوستی و همبستگی کارگران ایران با کارگران اتحاد شوروی نقش مهمی باز کرد. در تابستان سال ۱۹۴۵ این هیئت به ایران وارد شد و مورد استقبال پر شور کارگران قرار گرفت.

در موسساتی که برای کمک به متفقین کار می کردند دست به اعتصاب نمی زدند و کوشش می شد از راه مذاکره امتیازهایی برای کارگران به دست آورند، به استثنای یک بار که در اثر چپ روی و آوانتوریسم پاره ای از رهبران شورای مرکز، بدون صلاح دید کلکتیو اعتصابی پشت جبهه، در ساختمان کاخ وزارت دارائی تهران اعلام اعتصاب کردند و در مقابل مجلس ایران به تظاهر و نمایشات پرداختند. دولت فروغی عده زیادی از اعتصابیون را به این بهانه دستگیر و به نواحی جنوب تبعید کرد. "سلیمان محسن اسکندری" رهبر حزب توده ایران مساعی زیادی برای آزادی و استخلاص این تبعید شدگان به کار برد. بعد از این حادثه شورای مرکزی چپ روی را ترک کرد و به مبانی اتحادیه کارگران و کمک به مبارزه با فاشیسم پرداخت. غیر از شورای مرکزی اتحادیه ها، مراکز دیگر اتحادیه ای نیز در کشور بوجود آمده بود که عبارت بودند از اتحادیه کارگران و برزگران، کانون کارگران راه آهن و کمیته مرکزی اتحادیه های زحمتکشان اتحادیه کارگران و برزگران توسط یوسف افتخاری، خلیل انقلاب، حکمی و شیفته چی و غیره تشکیل شد و ارگان مرکزی آن روزنامه "گیتی" بود. اعضای این اتحادیه به تحریک یوسف افتخاری در موسساتی که به منظور کمک به متفقین کار می کردند دست به اعتصاب می زدند و بهمین علت به نام خرابکاران پشت جبهه جنگ معروف شدند. کمیته مرکزی اتحادیه های زحمتکشان به رهبری دکتر "سلام اله جاوید" تشکیل شده بود که در تهران کلوبی بنام کلوب حیدرعمواغلی داشت، کانون کارگران راه آهن توسط رضا ابراهیم زاده و اکبر شهبابی که شخص وی در آن موقع تحت نفوذ حزب اراده ملی سیدضیاء الدین طباطبائی بود، تشکیل یافت این تفرقه در صفوف اتحادیه های کارگری موجب ضعف آنان می شد و بهمین علت از طرف شورای مرکزی اتحادیه های کارگری به ابتکار اینجانب فعالیت زیادی برای وحدت سازمان های بالا بعمل می آمد. بالاخره با کوشش های مداوم و پیگیر در اول ماه مه ۱۹۴۴ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳) اتحادیه های کارگری ایران به صورت شورای مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران یکی شدند و پس از چندی اتحادیه زحمتکشان و کانون کارگران راه آهن نیز به آن پیوستند. تعداد اعضای نمایندگان در شورای متحده ۴۱ تن بود. شورای متحد مرکزی اینجانب را به عنوان دبیر اول یا دبیر مسئول انتخاب نمود و روزنامه "ظفر" ناشر افکار آن شورا معین شد. با اتحاد سازمان های کارگری تعداد اعضای آن نیز افزایش یافت به طوریکه تا آخر سال ۱۹۴۴ پیش از ۱۵۰ هزار کارگر به عضویت اتحادیه های کارگری در آمدن. نهضت سندیکائی در همین دوران و سال های بعد رشد و توسعه بیشتری یافت و تعداد اعضای کارگرانی که در اتحادیه های شورای متحده مرکزی بودند در اواسط ۱۹۴۶ از ۴۰۰ هزار تن نیز بیشتر بود، در اثر مبارزه پیگیر اتحادیه ها، فراکسیون حزب توده ایران در مجلس دوره ۱۴ لایحه قانون کار را که حاوی خواست های قانونی کارگران بود تسلیم مجلس کرد، نکات اساسی لایحه قانون کار عبارت بودند از: شناسائی رسمی اتحادیه های کارگری، اجرای ۸ ساعت کار روزانه، مرخصی هفتگی و سالانه برای همه کارگران و کارمندان، مرخصی شش هفته ای برای زنان باردار، جلوگیری از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال، جرای بیمه های اجتماعی برای کارگران و کارمندان. لیکن حکومت ارتجاعی ساعد و اکثریت نمایندگان مجلس که از مالکان و سرمایه داران بزرگ. تشکیل شده بودند، به بهانه های مختلف از طرح و تصویب قانون جلوگیری بعمل می آوردند. در مقابل این رفتار مرتجعین، کارگران



یادداشت

کشتار حوادث کار و خواب خوش مسئولان



سایت سندیکای شرکت واحد

درست در روزهایی که به مناسبت سالگرد انقلاب در رسانه های گوناگون از اعتصاب های تعیین کننده کارگران به ویژه کارگران پالایشگاه های نفت در پیروزی انقلاب سخن گفته می شود و جناب وزیر کار فارغ البال و بی خیال از قربانی شدن پی در پی کارگران در حوادث ناشی از کار و دیگر گرفتاری ها و مشکلات جان کاه کارگران به جای حضور در مراکز کارگری از جمله منطقه عسلویه و رسیدگی به خواسته های آن ها در مراسم پرزرق و برق برج میلاد حاضر شده و سخنرانی های شیرین سرمی دهد. گزارش تلخ افزایش کشتار کارگران در حوادث ناشی از کار منتشر می شود و از مسئولان عالی رتبه تا دن پایه کسی خم به ابرو نمی آورند. در هیاهو و جنجال گوش خراش گسترش خصوصی سازی ضد کارگری و حمایت از مقررات زدایی علیه کارگران تا گسترش فساد اقتصادی در مقامات، چیزی که توجه هیچ مسئولی را جلب نکرد و برایش سمینار و همایش و کنفرانس و جلسه برگزار نشد همانا کشتار و فجایع روز افزون سوانح و حوادث ناشی از کار بوده و است. کشتار و مجروح و مصدوم شدن کارگران مدت زمان زیادی است از مرز هشدار گذشته است و وزارت عریض و طویل کار که فلسفه وجودی اش مدیون طبقه کارگر و زحمتکشانش بوده و وظیفه اصلی اش دفاع از حق و حقوق کارگران به ویژه ایمنی کار و جسم و جان آنان می باشد در این باره به کلی وظیفه کاری خود را فراموش کرده و به منظور رفاه حال کارفرمایان متقلب و متخلف دست از پا خطا نمی کنند! فاجعه مرگ دلخراش شش تن از کارگران عسلویه در تصادف اتوبوس فرسوده و معیوب و غیراستاندارد یک بار دیگر نشان داد که جان کارگران برای مسئولان مربوط اهمیت و ارزش چندانی نداشته و ندارد. چگونه می شود مرگ کسانی در بیرون از مرزهای کشور بصورت گسترده در رسانه های جمعی و مسئولان اثر گذار، اما مرگ سالیانه بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران فقط در حوادث ناشی از کارکوچکترین تاسفی را بر نمی انگیزد و برای جلوگیری از این کشتار اقدامی نمی شود. آنانکه شبانه روز حرکات حق طلبانه کارگران را رد یابی و به سرعت برای آنان پرونده سازی می کنند، بدانند که آن ها هم در این فجایع شریک جرم

اصلی هستند، چرا که از فریاد دادرخواهی کارگران جلوگیری کرده و